

برتری و مزایای برهان صدیقین در میان براهین اثبات وجود خدا

عسکری سلیمانی امیری^۱

چکیده

یکی از عمده‌ترین مسائل فلسفی، اثبات وجود خداست. طبیعی‌دانان، متکلمان و فیلسوفان به اثبات خدا اهتمام داشته‌اند. اما فیلسوفان طراز اولی مانند فارابی، ابن‌سینا، محقق طوسی و ملاصدرا و اتباع او با تأملات دقیق برهان طبیعی‌دانان از طریق حرکت، یا متکلمان از طریق حدوث عالم و حتی برهان فیلسوفان از طریق امکان را هر چند معتبر می‌دانند، اما معتقدند که واقعاً هلیه بسیطه وجود خدا را اثبات نمی‌کنند، مگر بالعرض؛ چرا که این دسته براهین، محدودیت روشی و محدودیت یقین موقت دارند و نیز در احوال ممکن و در وجود نعتی خدا - نه وجود نفسی او - متوقف می‌گردند و ضرورت ازلی و در نهایت هلیه بسیطه واجب را اثبات نمی‌کنند. اما برهان صدیقین این محدودیت‌های پنج‌گانه را ندارد. ابن‌سینا اولین تقریر صدیقین را ارائه کرده که به اعتقاد ملاصدرا حد نصاب صدیقین را ندارد. ملاصدرا برهان دیگری اقامه کرده و نشان داده است که از این برهان علم به وجود خدا از طریق خود خداست. اما علامه طباطبایی تقریر دیگری از برهان صدیقین را ارائه داده که در آن حتی واقعیت به غنی و فقیر تقسیم نمی‌شود و درعین حال وجود نفسی واجب به ضرورت ازلی اثبات می‌شود.

واژگان کلیدی: برهان خلقی، برهان حرکت، برهان حدوث، برهان امکان، برهان صدیقین، واجب‌الوجود، ابن‌سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱:

soleimani@hekmateislami.com.

نحوه استناد: سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۹۸).

«برتری و مزایای برهان صدیقین در میان براهین اثبات وجود خدا»، حکمت/اسلامی، ۶ (۱)، ص ۹-۲۹.

رویکرد تأسیسی فرامبناگرای علم دینی، با تأکید بر نظریه

تأسیسی علم دینی آیات جوادی آملی و مصباح یزدی

محمد فولادی^۱

چکیده

در اسلامی سازی علوم، رویکردهای گوناگونی مطرح است. برخی رویکرد حداقلی، برخی میانی و برخی نیز حداکثری است. لازمه برخی از این رویکردها، پالایش و تهذیب علوم موجود و حفظ هویت آن علم است. لازمه برخی دیگر، تأسیس علم جدید است. رویکرد تأسیسی، رویکردی است که در علم دینی اصالت را به معارف و آموزه های نقلی و پشتوانه های متافیزیکی در تولید علم دینی می دهد و یا بر توجه توأمان به روش های مختلف در کسب معرفت تأکید دارند. در تأسیس علم جدید، توجه جدی به میانی و جهان بینی اسلامی و اصلاح آن بر اساس جهان بینی اسلامی ضروری است. افزون بر این، علم جدید باید از منابع معرفتی و روش متنوعی بهره مند باشد. نقد عالمانه علوم موجود و تحول در روش علمی از لوازم تولید علم جدید دینی است که از آن به رویکرد «تأسیسی» یاد می شود. استادان ارجمند، حضرات آیات جوادی و مصباح در تفسیر علم دینی، رویکرد تأسیسی و فرامبناگرایی را پذیرفته اند.

واژگان کلیدی: علم دینی، رویکرد تأسیسی، رویکرد فرامبنا، آیت الله جوادی، آیت الله مصباح.

تحلیل و بررسی معیار ارزش در اخلاق ارسطویی

حسن محیطی اردکان^۱، حسین احمدی^۲

چکیده

دیدگاه اخلاقی ارسطو همواره یکی از مهمترین و پرنفوذترین دیدگاهها در فلسفه اخلاق به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، فلاسفه اخلاق تفاسیر متعددی از دیدگاه وی را ارائه نموده‌اند که صحت و سقم این تفاسیر را تنها با مراجعه به کتب اخلاقی ارسطو می‌توان تشخیص داد. یکی از مهمترین مسائل در فلسفه اخلاق ارسطو، بحث ماهیت معیار ارزش اخلاقی است. از عبارات ارسطو، معیارهای گوناگونی برداشت شده و یا قابل برداشت است. تحلیل و بررسی جایگاه هر یک از این معیارها موضوع پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. در نوشتار حاضر سعی شده تا با تحلیل سخنان ارسطو، معیار ارزش اخلاقی از منظر وی استخراج شده و مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق به تفکیک میان معیار ثبوتی و اثباتی منتهی شده است. معیار ارسطو در مقام ثبوت تشبه به خدایان، تأمل نظری و فعالیت عقلانی است و معیار وی در مقام اثبات قاعده حد وسط و توجه به فاعل اخلاقی است. مهمترین نقدها بر معیارهای مذکور نیز عبارتند از: ابهام معیار ثبوتی، ناکافی بودن معیار عقلانیت، ناسازگاری با مبانی اخلاق اسلامی، فاصله داشتن با فضایل دینی، موجه نبودن معیار حد وسط و نیز موجه نبودن معیار فاعل اخلاقی.

واژگان کلیدی: اخلاق ارسطویی، سعادت، فضیلت، تأمل نظری، تشبه به خدایان، حد وسط، فاعل اخلاقی.

hekmat313@yahoo.com

۱. دکتری فلسفه اخلاق تطبیقی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1

hosseina5@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1

کاربست روش تبیین در فلسفه سیاسی بر اساس نظریه وحدت در عین کثرت حکمت متعالیه

عباس گرائی^۱، احمدحسین شریفی^۲

چکیده

مسئله اصلی مقاله حاضر این است که بیان کند مکتب فلسفی ملاصدرا چه ظرفیت‌هایی در حوزه روش‌شناسی فلسفه سیاسی، به‌ویژه روش تبیین دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، ضمن ترسیم اهداف و کارکردهای علوم سیاسی با استفاده از روش تحلیلی - فلسفی، ظرفیت‌های روش‌شناختی نظام حکمت صدرایی در هر یک از کارکردهای علوم سیاسی بیان شده است. از جمله دستاوردهای تحقیق حاضر را می‌توان در موارد پیش‌رو تبیین نمود: ۱. حکمت متعالیه با توجه به ارائه انواعی از تعاریف مفهومی، ظرفیت خوبی در حوزه روش تعریف مفاهیم انتزاعی فلسفه سیاسی دارد. ۲. با پذیرش تفسیر عقلی به معنای ارائه معانی انتزاعی و عقلی برای کنش سیاسی انسان، محقق باید تفسیری از همان کنش‌ها به‌عنوان فعل الهی نیز ارائه دهد. ۳. محقق فلسفه سیاسی می‌تواند در تبیین حقایق سیاسی، با رعایت اصل کثرت در وحدت و وحدت در کثرت علل، تبیینی ارائه دهد که علاوه بر جهت کثرت علل، جنبه وحدت علل نیز آشکار گردد. ۴. پیش‌بینی به معنای آینده‌شناسی تجربی به سبب رویکرد عقلی فلسفه سیاسی اساساً جایگاهی در این دانش ندارد. ۵. برای ارزش‌یابی کنش‌های سیاسی، محقق باید ارزش‌یابی خویش را با لحاظ غایت و ارزش‌های اصیل اسلامی به دنیای سیاست پیشنهاد دهد.

واژگان کلیدی: حکمت متعالیه، فلسفه سیاسی، فلسفه سیاسی اسلامی، روش‌شناسی فلسفه سیاسی، حقایق سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری حکمت متعالیه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1 geraei2144@qabas.net

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی 1 sharifi1738@yahoo.com

نحوه استناد: گرائی، عباس؛ شریفی، احمدحسین (۱۳۹۸). «کاربست روش تبیین در فلسفه سیاسی بر اساس نظریه وحدت در عین کثرت حکمت متعالیه». حکمت/اسلامی، ۶(۱)، ص ۷۹-۱۰۰.

چیستی اعتباریات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی و لوازم روش شناختی آن در حوزه علوم اجتماعی

حسین سوزنچی^۱، رضا ملایی^۲

چکیده

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، مفاهیم اجتماعی را اعتباریاتی اجتماعی معرفی می‌کند که پس از تشکیل اجتماع، «به وجود می‌آیند، با اجتماع معنا می‌یابند، کنش اجتماعی را ممکن می‌سازند، عمدتاً متغیر و در اندک مواردی ثابت بوده و همچنین ابزارهایی برای رفع نیازها و نیل به کمالات اجتماعی» هستند. این اعتباریات، اگرچه می‌توانند متأثر از واقعیات خارجی باشند، لکن بدون تطابقت عقلا و توافقات اجتماعی آنها تحقق نمی‌یابند. از این رو فاقد هستی در جهان خارج بوده و صرفاً از هستی‌ای بین‌الذهانی بهره‌مند می‌باشند. اتکاء اعتباریات اجتماعی به توافقات اجتماعی و انحصار هستی آنها در بین‌الذهانیت، گزاره‌های علوم اجتماعی را از گزاره‌های یقینی به گزاره‌های مشهوره، مسلم و مقبوله تنزل می‌دهد. از آن پس علوم اجتماعی و به‌طور کلی حکمت عملی با چرخشی روش‌شناختی مواجه ساخته و این حکمت را از حکمتی برهانی محروم می‌سازد و آن را به سوی حکمت جدلی سوق می‌دهد. در حالی که در سنت فیلسوفان مسلمان حکمت عملی و علوم اجتماعی شکل گرفته ذیل آن، همواره متکی به روش‌های برهانی بوده است. در نتیجه تأثیر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی بر تنزل روش‌شناختی حکمت عملی و علوم اجتماعی شکل گرفته ذیل آن، مقتضی بازنگری و یا دست‌کم بازسازی نظریه اعتباریات در حوزه اعتباریات اجتماعی و بازگشت به سنت فیلسوفان مسلمان در این حوزه است.

واژگان کلیدی: اعتباریات اجتماعی، برهان، جدل، تنزل.

souzanchi@gmail.com

tamhid1359@gmail.com

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم ۱

۲. دانشجوی فلسفه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم ۷

نحوه استناد: سوزنچی، حسین؛ ملایی، رضا (۱۳۹۸). «چیستی اعتباریات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی و لوازم روش شناختی آن در حوزه علوم اجتماعی»، حکمت/اسلامی، ۶ (۱)، ص ۱۰۱-۱۱۵.

رهیافتی تطبیقی به «حس گرایی سلفی»

و «حس گرایی تجربی»

مصطفی عزیززی علویجه^۱

چکیده

هر مکتب فکری‌ای بر پایه‌ها و منابع معرفتی خاصی استوار است. سلفی‌گری به‌عنوان یک جریان فکری، دارای مبانی معرفت‌شناسی خاصی می‌باشد. حس‌گرایی و منحصر کردن معرفت در شناخت حسی و خیالی و نیز نقل‌گرایی برخاسته از حس‌گرایی از مهمترین شاخصه معرفت‌شناختی سلفیت است؛ چنان‌که این تیمیه بر آن پافشاری می‌کند. از سوی دیگر، مکتب حس‌گرایی تجربی به‌عنوان یک پارادایم چیره در جهان غرب و نیز به‌عنوان رقیب جدی عقل‌گرایی، معرفت حسی را تنها سرچشمه معتبر شناخت دانسته و بر آن تأکید می‌ورزد. هر دو گرایش حس‌گرایی سلفی و تجربی، بر نفی و طرد عقل و برهان عقلی از ساحت معرفت بشری اتفاق نظر دارند. در این پژوهش با رهیافتی تطبیقی، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های این دو مکتب حس‌محور در سه ساحت «معرفت‌شناختی»، «هستی‌شناختی» و «انسان‌شناختی» مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: حس‌گرایی، سلفیت، تجربه‌گرایی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی.

حرکت در عرفان و نقش آن در ظهور تعینات نظام هستی

سیداحمد حسینی^۱، ابوالفضل کیاشمشکی^۲

چکیده

به نظر حکما «موجود مادی» و به عقیده عرفا «هر موجود صاحب حیات» در حرکت است. خالق هستی که حی حقیقی است، به حرکت حبی، ظهوری، جلائی و استجلائی تجلی می‌یابد. او به واسطه حرکت حبی، عالم را عینیت می‌بخشد تا کمال وجود را آشکار نماید. در حرکت جلائی و استجلائی نیز نمایان شدن ذات حق برای ذات و تعینات تصور می‌شود که کمال تام خود را در مقام علمی در حقیقت محمدیه و سپس در مقام عینی و خارجی شهود نماید تا زمینه فطرت تام انسانی و مظهر ذات حق را فراهم سازد. همچنین به واسطه حرکت ظهوری، ذات حق می‌طلبد خود را از هویت غیبی و کنز مخفی آشکار نماید تا در همه موجودات با تجلی خاصی ظهور پیدا کند. او در صدد است هر روز با اعطای صورتهای مختلف و جدید به مخلوقات، خودش را معرفی نماید که در همه جا و همه چیز جز تجلی او امکان تصور نداشته باشد و انسان حضور حق را در عالم هستی احساس کرده و به این باور برسد که علت بقای هستی تجلی اوست که هر روز به عالم غیبی و عینی حیات می‌بخشد.

واژگان کلیدی: حرکت، عرفان، حرکت حبی، حرکت ظهوری، حرکت جلائی، حرکت استجلائی، تجلی حق.

hosseini6173@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری عرفان اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمية

akia45@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر

نحوه استناد: حسینی، سیداحمد؛ کیاشمشکی، ابوالفضل (۱۳۹۸).

«حرکت در عرفان و نقش آن در ظهور تعینات نظام هستی»، حکمت/اسلامی، ۶ (۱)، ص ۱۴۱-۱۶۲.

تبیین و بررسی نظریه اخلاق باور با تأکید بر آموزه‌های قرآنی

احمد سعیدی^۱، علی قنبریان^۲، مسلم احمدی^۳

چکیده

«ویلیام کلیفورد» نظریه‌ای را با نام «اخلاق باور» مطرح کرد و در ضمن آن مدعی شد که هر کس باوری را بدون قرینه و شاهد بپذیرد، مرتکب خطای اخلاقی شده است. او در این نظریه، دین‌داران را متهم به بی‌اخلاقی کرده و انتخاب آنها را بدون قرینه و شاهد و در نتیجه، غیرآگاهانه دانسته است. دیدگاه او با انتقادات مختلفی از سوی اندیشمندان مختلف، از جمله «ویلیام جیمز» مواجه شد. بی‌دلیل بودن، تعمیم نابه‌جا و افراطی، عدم توجه به ابعاد مختلف انسان و ... از جمله مهمترین اشکالات وارده به این نظریه هستند.

در این مقاله، دیدگاه کلیفورد را پس از تبیین و بررسی فلسفی، با آموزه‌های قرآنی مقایسه کرده‌ایم و توضیح داده‌ایم که اگر ایمان در یک مکتب یا از سوی یک شخص مبتنی بر فهم و استدلال باشد - چنان‌که در مکتب اسلام و از سوی بسیاری از مسلمانان چنین است - ادعای کلیفورد نادرست خواهد بود. به عبارت دیگر، حتی اگر بعضی عقاید برخی دین‌داران از مصادیق ادعای کلیفورد باشند و بی‌اخلاقی تلقی شوند، ایمان و عقاید بسیاری از مسلمانان مبتنی بر شواهد و ادله محکم و متقن هستند و اخلاقی به‌شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: اخلاق، باور، کلیفورد، ایمان، عقلانیت.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1 ahmadsaeidi67@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام دانشگاه تهران ghanbarian.howzeh@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام دانشگاه تهران ahmadi.s@ut.ac.ir

تصحیح و تعلیق نسخه خطی «رساله فی نفي الهيولى»

تألیف سید ماجد حسینی

ابوالفضل نظری^۱، حبیب‌الله دانش شهرکی^۲

چکیده

اعتقاد به وجود هیولی به‌عنوان جوهری که هیچ فعلیتی جز قوه محض بودن ندارد، از زمان ارسطو تاکنون یکی از مسائل مهم فلسفی به‌شمار می‌رود. در میان فلاسفه اسلامی، مشائین آن را پذیرفته و بر براهین مثبت آن افزوده‌اند. اما برخی ادله اثبات آن را غیر تام دانسته و اساساً وجود چنین جوهر بی‌فعلیتی را محال دانسته‌اند. در میان فلاسفه، رواقیون، شیخ اشراق، فخر رازی، خواجه نصیر طوسی، حکیم الهی قمشهای، شهید آیت‌الله مطهری، شهید آیت‌الله سید مصطفی خمینی، آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله فیاضی از جمله حکمای هستند که منکر وجود هیولی شده‌اند. در این میان، یکی از حکمای قرن ۱۲ق، به نام سید ماجد حسینی کاشانی رساله‌ای موجز در نفي و ابطال هیولی نگاشته و در آن، پس از بیان ادله گوناگون اثبات هیولی، به رد آن ادله پرداخته و یک بخش از رساله‌اش را نیز به اقامه برهان بر ابطال وجود هیولی اختصاص داده است. در این مقاله متن نسخه خطی رساله مذکور، تحقیق و تصحیح شده و همراه با پاره‌ای از توضیحات و حواشی، عیناً درج شده است.

واژگان کلیدی: هیولی، قوه محض، قوه و فعل، ماده اولی، نسخه خطی، سید ماجد.

abolfazlnazary@gmail.com

hdaneshshahraki@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه قم

۲. استادیار گروه فلسفه دانشگاه قم

نحوه استناد: نظری، ابوالفضل؛ دانش شهرکی، حبیب‌الله (۱۳۹۸).

«تصحیح و تعلیق نسخه خطی رساله فی نفي الهيولى»، حکمت اسلامی، ۶(۱)، ص ۱۸۵-۲۱۰.